Bahr ul- Mahabbah fi Asrar el-Mavaddah and Its Author, Abu ul-Futuh Ahmad or Abu Hamed Mohammad Ghazzali

Mahboobe Shamshirgarha[*]

Abstract

Bahr ul- Mahabbah fi Asrar el-Mavaddah is one of the Sufi commentaries in Arabic. In this text, Surah Yusuf has been interpreted in a simple and pleasant structure and prose. Also, it has some mystical points, allusions, speechs, and anecdotes from some great mystics or about them. This text is important, but we do not have any good revised and printed works from the manuscripts. This work has been known as a text by Abu ul-Futuh Ahmad or Abu Hamed Ghazzali as mentioned in some manuscripts and their indexes and some later writers' views. The present article was written to prove the truth or falsity of this claim for the first time. According to the previous scholars' views about Ghazali brothers' works, as well as a comparative content analysis of *Bahr ul- Mahabbah fi Asrar el-Mavaddah* with the interpretations of Ghazali brothers' most important and appropriate works, it could be concluded that this was incorrect. In other words, this work could not be from either of Ghazali's two brothers. We also used analysis of textual relationships between this work and the most comprehensive interpretations of Surah Yusuf in earlier centuries, namely *Ons al-Muridin and Rawdat al-Muhebbin*, *Ghesseye Yusuf* and *Hadayegh al-Haghaegh*. It seemed that the recognition of each of Ghazali's two brothers as the author of this work was due to their being prominence among the first scholars and Sufis. This article was written based on the content analysis method.

Keywords: Interpretation of Quran, Mystic Interpretations, Classical Literature, Joseph (son of Jacob) in Quran, Ghazzali, Ahmad ebn-e Mohammad-e Ghazzali Mohammad ebn-e Mohammad

[*] PhD in Persian Language and Literature, Assistant Professor of Iranology and Islamology Research Group, the National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran (Corresponding Author Email: mah.shamshirgarha@yahoo.com)

نشریهٔ علمی پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)
نوع مقاله: پژوهشی
سال پانزدهم، شمارهٔ اول، پیاپی ٤٦، بهار و تابستان ١٤٠٠، صص ١٧٥-١٩٤
Doi: 10.22108/JPLL.2021.127428.1584

بررسی درستی انتساب *بحر المحبة فی اسرار المودة فی اسرار المودة* به ابوالفتوح احمد یا ابوحامد محمد غزالی

محبوبه شمشیرگرها*

چکیده

بحر المحبة فی اسرار المودّة ازجمله تفسیرهای صوفیانه به زبان عربی است که در آن، سورهٔ یوسف همراه با برخی نکته‌ها، اشارات، سخنان و حکایت‌های عرفانی، در ساختار و نثری ساده، ادبی و دلنشین تفسیر شده است. تاکنون به این اثر، با وجود اهمیت در تاریخ تفسیرهای عرفانی سورهٔ یوسف، چنانکه باید توجه نشده است؛ به‌گونه‌ای که تاکنون تصحیحی انتقادی از آن در دست نیست. همچنین تردیدهایی دربارهٔ *بحر المحبة* وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها مربوط به مؤلف اثر است. *بحر المحبة* متأثر از برخی دست‌نوشته‌ها و فهرست‌های نسخ خطی و دیدگاه برخی نویسندگان متأخر، به احمد غزالی و گاه برادر بزرگ‌ترش محمد منسوب است. نوشتار پیش رو، برای نخستین‌بار درپی بررسی دقیق این موضوع برای تأیید یا رد این نسبت شکل گرفته است. استفاده از دیدگاه‌های پژوهشگران پیشین دربارهٔ آثار برادران غزالی، تحلیل تطبیقیِ محتوای *بحر المحبة* با برجسته‌ترین و متناسب‌ترین آثار مسلّم برادران غزالی در تفسیر و نیز با بهره‌مندی از روابط بینامتنی میان اثر و تفسیرهای مشهور سورهٔ یوسف در سده‌های متقدم ـ مانند *انس المریدین و روضة المحبین*، *قصهٔ یوسف* و *حدائق الحقایق* ـ نشان می‌دهد که این اثر احتمالاً از هیچ‌یک از دو برادر غزالی نیست. به نظر می‌رسد انتساب این اثر به هریک از این دو برادر به‌سبب شهرت و برجستگی غزالی‌ها در میان اهل علم و تصوف و اقبال عمومی به آنها باشد. این نوشتار به روش کتابخانه‌ای از میان روش‌های تحقیق کیفی و با شناخت و بررسی تطبیقی به نگارش درآمده است.

واژه‌های کلیدی

تفسیر؛ تفسیرهای عرفانی؛ ادبیات کلاسیک؛ سورهٔ یوسف؛ غزالی، احمد بن محمد؛ غزالی، محمد بن محمد

---

* دکترای زبان و ادبیات فارسی، استادیار گروه پژوهش‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران، mah.shamshirgarha@yahoo.com

تاریخ وصول: ١٣٩٩/١١/٢٦ تاریخ پذیرش: ١٤٠٠/٠٤/٠٤

۱ـ مقدمه

تفسیرهای عرفانی در سنت تفسیرنگاری مسلمانان، قدمتی دیرینه دارد. در کنار انواع تفسیرهای کلامی، ادبی، فقهی، فلسفی، علمی، سیاسی و اجتماعیِ قرآن کریم، مفسران و عارفان بزرگی از گذشته تاکنون از قرائت لفظی و ظاهری گذشته‌اند و با رفتن به‌سوی قرائت استعاری و باطنی کلام وحی، تفسیرهایی با رویکرد درونی و عرفانی برای آیات قرآن پدید آورده‌اند.[۱] از این منظر، عارفان به برخی آیات و سوره‌های کلام الهی مانند سورهٔ یوسف، به‌دلیل ظرفیت بیشتر در حمل نکات و اشارات و تعبیرهای صوفیانه، بیش از سایر بخش‌ها توجه داشته‌اند. ساختار کاملاً روایی و داستانی و نیز مضمون غالبِ عشق و محبت همراه با آموزه‌های اخلاقی در «احسن القصص»، موجب اقبال ویژهٔ مفسران عارف به این سوره شده است؛ به‌طوری که صرف‌نظر از تفسیرهای عرفانی کامل در سنت تفسیرنگاری اسلامی،[۲] چندین تفسیر، تنها در شرح این سوره شکل گرفته است؛ مانند *قصهٔ یوسف (جامع الستین للطائف البساتین)* از احمد بن محمد بن زید طوسی، *انس المریدین و روضة المحبین* از ابونصر احمد بن محمد بخاری، *انیس المریدین و شمس المجالس* از مؤلفی نامعلوم و نیز *حدائق الحقائق* معین‌الدین فراهی. همچنین باید از *کشف الأرواح* جمال‌الدین محمد جمالی اردستانی و *منظومهٔ اسرار العشق* اسدالله ایزد گشسب و نیز منظومه‌هایی متعددی با عنوانِ *یوسف و زلیخا* از شاعرانی مانند جامی یاد کرد که در کنار آثار منثور، به شرح منظوم این قصه توجه داشته‌اند.[۳]

یکی از تفسیرهایی که به‌طور خاص شرح این سوره را مدّنظر دارد، اثری به نام *بحر المحبة فی اسرار المودة فی اسرار المودة* به زبان عربی است که در اغلب نسخه‌های آن و در فهرست‌های نسخ خطی و اظهارنظر برخی پژوهشگران، به احمد غزالی یا برادر بزرگ‌ترش، محمد غزالی نسبت داده شده است؛ این تردید همچنان در قلم برخی فهرست‌نویسان و محققان تکرار شده است؛ بدون آنکه بررسی مفصل و دقیقی دربارهٔ آن انجام گیرد. نوشتار پیش رو برای بررسی درستی یا نادرستی انتساب این اثر به برادران غزالی و اساساً در تلاش برای تعیین مؤلف آن شکل گرفته است. امروزه عمده روش‌هایی که برای تعیین مؤلف متون و بررسی انتساب‌ها به کار می‌رود، کمی است و در آنها عموماً به کاربردهای زبانی توجه می‌شود؛ اما در این پژوهش، از روش‌های کیفی و کمی در کنار هم استفاده شده است؛ به عبارت دیگر، چنین نیست که نگارنده در بررسی انتساب *بحر المحبة* به برادران غزالی تنها از روش‌های معمول بهره برده باشد؛[٤] بلکه در کنار رویکرد استقرایی و توجه به کاربردهای زبانی، برای اثبات یا رد انتساب موجود، بررسی کیفی و دلالت‌های محتوایی نیز متناسب با ملازماتِ این متن مدّنظر قرار گرفته است.

۱ـ۱ پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ *بحر المحبة به*جز اشاراتی کوتاه ذیل مدخل‌های فهرست‌نویسان نسخ خطی، تنها پژوهشِ موجود، به پایان‌نامه‌ای در رشتهٔ علوم قرآن و حدیث با عنوان «روش‌شناسی تفسیر *بحر المحبة* احمد غزالی» مربوط می‌شود. سمانه ایران‌منش در این پایان‌نامه با رویکردی کاملاً درونی و فارغ از رابطهٔ متن با سایر متونِ هم‌موضوع، به معرفی احمد غزالی (مفسر)، ویژگی‌های متن و روش ابوالفتوح در این تفسیر صوفیانه پرداخته است؛ البته او بدون تعرض به دست‌نوشت‌های اثر و اظهارات فهرست‌نویسان خطی و نیز وجوه تردید دربارهٔ این اثر، به‌ویژه ازنظر مؤلف و شیوهٔ

شکل‌گیری، به پژوهش پرداخته است. این پایان‌نامه اخیراً در قالب کتابی از عبدالوهاب شاهرودی با عنوانِ *پیر طوس؛ غزالی و بحر المحبة، کارنامه و روش* [۵] منتشر شده است! [۶] نویسندهٔ این مقاله حدود چهار سال پیش درپی تحقیقات دربارهٔ تصحیح *انیس المریدین و شمس المجالس* با *بحر المحبة* آشنا شد و به تناسبِ موضوع، در مقالی کوتاه از مقدمهٔ *انیس المریدین* به معرفی *بحر المحبة* بسنده کرد. در ادامه، بر آن شد تا با توجه به وجوه نسخه‌شناختی و متن‌شناختی، *بحر المحبة* را نیز بشناسد و همت خود را برای شناخت، تصحیح انتقادی و رفع برخی تردیدها دربارهٔ آن به کار گیرد؛ [۷] اما مهم‌ترین تردید دربارهٔ این اثر به درستی انتساب آن به احمد یا محمد غزالی مربوط می‌شود که مجال مستقل پیش رو بدان اختصاص دارد.

۱ـ۲ فرضیهٔ پژوهش

با اینکه برخی کاتبان، فهرست‌نویسان و پژوهشگران پیشین *بحر المحبة فی اسرار المودة* را به احمد و گاه به محمد غزالی منسوب کرده‌اند، این اثر به هیچ‌یک از دو برادر غزالی تعلق ندارد.

۲ـ *بحر المحبة فی اسرار المودة فی اسرار المودة*

بحر المحبة فی اسرار المودّة از تفسیرهای عرفانی به زبان عربی است که در آن، سورهٔ یوسف در قالبی داستانی و با استفاده از اشارات و حکایت‌های عرفانی، به روشی ساده و دلنشین تفسیر شده است. از این رساله براساس نسخه‌های موجود و فهرست‌های آنها به‌ندرت با عنوان‌های دیگری مانند «سرّ العالمین فی تفسیر سورهٔ یوسف»، «بحر المحبة فی اسرار المودة فی تفسیر سورهٔ یوسف» و «احسن القصص» یاد شده است (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۳۹-۱٤۱؛ بدوی، ۱۹۷۷ م: ۲۹٦-۲۹۷). نویسنده با تفسیر این سوره، ماجرای زندگی این پیامبر الهی را از ایام کودکی تا پایان زندگی روایت می‌کند. او پس از مقدمه‌ای کوتاه، به‌ترتیب، آیات سوره را از ابتدا ذکر می‌کند و حتی گاه با عبور از ترجمه‌ای هرچند کوتاه، پس از شرحی موجز دربارهٔ هریک، با بیان لطایف و اشارات عرفانی و اخلاقی و حتی شرعی، مضمون‌هایی صوفیانه و دلکش ذیل عنوان‌هایی مانند «النکتة»، «القصة»، «الحکایة»، «فصل» و «الاشارة» می‌آفریند. همچنین در جای‌جای سخن خود و منقولات و حکایات، اشعاری را به زبان عربی در مقامِ شهادت و زینت کلام به کار می‌گیرد. [۸] گفتنی است شباهت *انیس المریدین و شمس المجالس* [۹] به *بحر المحبة* چنان زیاد است که برخی آن را ترجمهٔ این اثر دانسته‌اند (رک. درایتی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۲۳)؛ اما با وجود این، به نظر نمی‌رسد که این نسبت، روا و دقیق باشد. [۱۰]

۳ـ مؤلف *بحر المحبة فی اسرار المودة*

برپایهٔ اطلاعات مندرج در متن دست‌نوشته‌ها، چاپ‌های سه‌گانهٔ سربی و فهرست‌های نسخ خطی، این اثر گاه به مجدالدین ابوالفتوح احمد بن محمد غزالی طوسی، اندیشمند و صوفی برجسته (متوفی ۵۲۰ ق.) [۱۱] و گاه به برادر بزرگ او، ابوحامد محمد غزالی، فقیه، متکلم، فیلسوف، عارف و مجتهد پُرآوازهٔ قرن ششم هجری (متوفی ۵۰۵ ق.) [۱۲] نسبت داده شده است. نسخه‌های موجود از این اثر، دو مقدمهٔ متفاوت دارند. در پایانِ مقدمه، تعدادی از آنها عبارتِ «قالَ الشّیخُ الأجَلُّ أبوحامدُ محمدُ ابنُ الغَزالی» دیده می‌شود. در برخی دیگر، ازجمله آنچه در بمبئی به‌صورت سنگی منتشر شده است، مقدمه ای دیگر دیده می‌شود که بدون نام مؤلف است. نویسنده تنها در عبارتِ «فَالمؤلّفُ الفَقیرِ

یُحبُّ أن یُفَسِّرَ تِلکَ السّورَةَ المُبارَکَةَ مَعَ إشارَتِها وَ رُموزِها» بدون ذکر نام، از خود یاد کرده است. شاید از این جهت است که یک نسخه از دو نسخهٔ سنگی چاپ بمبئی به احمد، و دیگری که در سال ١٨٧٦ م. منتشر شده، به محمد نسبت داده شده است. در صفحهٔ عنوان این اثر، بدون بیان هرگونه توضیح، چنین آمده است: «هذا کتاب *بحر المحبّة فی اسرار المودة فی تفسیر سورة یوسف* للعالم الربانی و الحکیم الصمدانی بحر الحقائق و کنز الدقائق شیخ العارفین الشیخ احمد الغزالی رحمة الله تعالی». همچنین چاپ سربی این اثر مربوط به سال ۱۳۱۲ در تهران، از ابوحامد دانسته شده است. در ترجمه‌های چهارگانه نیز بنابر نسخه‌های مدّنظر مترجمان، این اثر به هریک از دو برادر منسوب شده است. برپایهٔ یادداشت صفحهٔ عنوان در ترجمهٔ محمد موسوی خوانساری و ابوتراب حسینی، این اثر از احمد است و برپایهٔ نوشتهٔ مسعود انصاری و ابوالحسن فقیهی آیت‌الله‌زاده گیلانی، از محمد غزالی است.

در نوشته‌های فهرست‌نویسان نسخ خطی و پژوهشگرانی که به احوال و آثار دو برادر غزالی پرداخته‌اند نیز دربارهٔ مؤلف این اثر اختلاف‌نظر دیده می‌شود. برخی آن را بی‌تردید از احمد غزالی دانسته‌اند؛ اعم از آنکه متعرضِ نسبتِ آن به محمد غزالی شده یا نشده باشند. در *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ بزرگ حضرت آیت الله مرعشی نجفی* (مرعشی نجفی، بی‌تا، ج ۲۸: ٤١٤) این اثر به‌طور قطع از ابوالفتوح احمد بن محمد طوسی غزالی دانسته شده است: «این کتاب تفسیر و تأویل عرفانی سورهٔ یوسف می‌باشد که براساس آثار عوام صوفیه، پی‌ریزی شده است». فهرست‌نگار سپس با تأکید و پافشاری بر نظر خود، اینچنین ادامه می‌دهد: «این کتاب در بعضی از نسخ خطی و چاپی متأخر به ابوحامد محمد غزالی نسبت داده شده که قطعاً اشتباه است؛ چه آنکه کاتب یکی از نسخ خطی که با نام احمد غزالی آشنا نبوده آن را به محمد تغییر داده است و دیگران هم تبعیت نموده‌اند». او سپس به بیان تکیه‌گاه نظر خود رو می‌آورد: «اول آنکه ارباب تراجم و رجال که آثار محمد غزالی را ذکر کرده‌اند، تحت هیچ عنوان متعرض تفسیر سورهٔ یوسف در آثار وی نشده‌اند. دیگر آنکه، محقق مصری، عبدالرحمن بدوی در اثر محققانهٔ خود با عنوان *مؤلفات الغزالی* که آن را مفصلاً در ارائهٔ نام و مشخصات آثار محمد غزالی و آثار منسوب به او در بخش‌هایی‌مجزا پدید آورده، در هیچ‌یک از بخش‌های آن، نامی از تفسیر سورهٔ یوسف نیاورده است». حاجی خلیفه که بسیاری از آثار متعلق به احمد را ذکر کرده، حتی به *بحر المحبة و اسرار المودة* اشاره‌ای نداشته است؛ اما اسماعیل پاشا بغدادی در *هدیة العارفین* از این اثر در زمرهٔ آثار ابوالفتوح یاد کرده است. او ذیل توضیحات احمد غزالی، «*بحر المحبة*» در تفسیر سوره یوسف را بی‌آنکه از آغاز آن نمونه دهد، به وی نسبت داده است (بغدادی، ۱۳ ق، ج ۱: ۸۳). مشار نیز در فهرست خود، ردیف ۲۰۵، این اثر را با همین عنوان، در تفسیر سورهٔ یوسف از احمد غزالی می‌داند (مشار، ١٣٤٤: ١١٨). در این زمینه همچنین می‌توان به اظهارنظر سمانه ایران‌منش در پایان‌نامهٔ خود دربارهٔ روش‌شناسی تفسیر *بحر المحبة* اشاره کرد. او این اثر را به‌منزلهٔ نخستین و تنها پژوهش موجود دربارهٔ *بحر المحبة*، بدون هرگونه بحث و بررسی نسخه‌شناختی، از احمد غزالی دانسته است. اساساً عنوان پایان‌نامهٔ او ـ «روش‌شناسی تفسیر *بحر المحبة* احمد غزالی» ـ بیانگر صرف‌نظر او از برخی تردیدهای موجود است. چنانکه پس از شرح «کلیات»، فصل دوم را تحت عنوانِ «شناخت‌نامهٔ مفسر» به شرح زندگی‌نامه و احوال و آثار احمد غزالی اختصاص داده است. البته او سپس در فصل سوم با عنوانِ «معرفی *بحر المحبة*»، در مبحثی کوتاه و به‌طور گذرا، با توجه به «انتساب *بحر المحبة* به احمد غزالی» از دلایل و قراین خود مبنی بر درستی و وثوق این انتساب خبر می‌دهد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت. همچنین عبدالوهاب شاهرودی نیز در مقدمهٔ

خود با توجه به تلاش سمانه ایران‌منش، که اخیراً در قالب کتاب منتشر شده، آن را به احمد متعلق دانسته است (شاهرودی، ۱۳۹۹: ۲۱).

در کنار نسبت این اثر به احمد، فهرست‌نویسانی مانند مصطفی درایتی نسبت این اثر را به محمد، بیراه نمی‌دانند. درایتی در جلد پنجم فنخا از این اثر ذیل مدخلی با عنوانِ «*احسن البیان فی تفسیر القرآن = بحر المحبة فی اسرار المودة = تفسیر سورهٔ یوسف = احسن القصص*» یاد کرده است و پس از بیان توضیحات سیّد محمد مرعشی در فهرستگان نسخ خطی کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی، ادعای او را درست نمی‌داند و از اینکه او عنوان شمارهٔ ۱۲۳ *مؤلفات الغزالی* را ندیده است، اظهار تعجب می‌کند؛ زیرا ذیل این عنوان، از این تفسیر یاد شده و نسخه‌هایی‌از آن به همراه چاپ‌های آن شناسانده شده است. به‌جز اینکه در معرفی نسخهٔ شمارهٔ ۱٤۹۷۹ کتابخانهٔ آیت‌الله مرعشی، خودْ این تفسیر را به محمد غزالی نسبت داده است. درایتی با ذکر اینکه در آغاز برخی نسخ، این کتاب به ابوحامد محمد غزالی نسبت داده شده است، البته انتساب آن را به احمد قوی‌تر می‌داند (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۳۹-۱٤۱). [۱۳] انتساب این اثر به احمد یا محمد غزالی چنان خدشه‌دار است که حتی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ای واحد نیز گاه این کتاب به ابوحامد محمد غزالی و گاه به برادرش، احمد نسبت داده شده است. [۱٤]

٤ـ تردید در درستی انتساب *بحر المحبة* به برادران غزالی

گذشته از مندرجات نسخه‌ها و فهرست‌ها، اساساً در درستی انتساب این اثر به هریک از این دو برادر، تردید وجود دارد. نگارنده تردید خود را دربارهٔ انتساب این اثر به هریک از دو برادر، بر سه پایه متکی می‌داند و در ادامه، شرح آن را با احصا و تأمل بر نتایج حاصل از تلاش و خامهٔ فهرست‌نویسان و پژوهشگران پیشین بیان می‌کند؛ البته تحلیل و بررسی تطبیقی محتوای *بحر المحبة* با آثارِ شاخصِ هر دو برادرِ غزالی و نیز مقایسهٔ اثر با سایر آثار هم‌موضوع، یعنی بررسی جایگاه و اثرات این متن در روابط بینامتنی با سایر تفسیرهای عرفانی سورهٔ یوسف مدّنظر خواهد بود.

٤ـ۱ *بحر المحبة* در فهرست‌ها و پژوهش‌ها

نقطهٔ اتکای تردید در درستی انتساب‌های موجود، نبودِ هرگونه دلیل و قرینهٔ موجه و روشن بر تعلق *بحر المحبة* به هریک از دو برادر در جمع‌بندی اظهارنظرهای فهرست‌نویسان و محققان پیشین است. چنانکه دیدیم هیچ قطعیتی در انتساب این اثر به هریک از دو برادر در فهارس موجود دیده نمی‌شود. اظهارنظر قطعی سیّد محمود مرعشی نیز در تعلق این اثر به احمد و نه محمد، مایهٔ تعجب است. بر نگارندهٔ این مقاله معلوم نیست که او هرچند نسبت *بحر المحبة* را به محمد ناروا دانسته، بر چه اساس و با چه دلیل روشنی، این اثر را از آنِ احمد خوانده است. مگر آنکه بتوان رد انتساب این اثر را به یکی از دو برادر، به معنای اثبات تعلق آن به برادر دیگر دانست!

دربارهٔ شخصیت و آثار احمد غزالی تاکنون نصرالله پورجوادی و احمد مجاهد بیش از دیگران به تحقیق پرداخته‌اند. پورجودی در *دانشنامهٔ جهان اسلام*، این اثر را از ابوالفتوح و بلکه به‌منزلهٔ اثری منسوب به او دانسته است؛ ولی خود در چنین نسبتی تردید دارد. او آن هنگام که از همهٔ آثار خواجه احمد نام می‌برد، دربارهٔ این متن چنین می‌نویسد: «این کتاب تفسیر سورهٔ یوسف به عربی است و از قدیم این اثر به احمد غزالی نسبت داده شده است؛ ولی مطمئن نیستیم که از او باشد». او سپس احتمال داده است با توجه به اینکه پاره‌ای از مطالب میان این اثر و قصهٔ یوسف

احمد بن زید طوسی شبیه است، میان آنها ارتباطی وجود دارد.

این تردید را می‌توان در قلم احمد مجاهد نیز دید. او در بخش مربوط به معرفی آثار عربی این عارف و دانشمند برجسته، غیر از *التجرید فی کلمة التوحید و المجالس*، درستی انتساب تعدادی از آثار منسوب به احمد را دارای اشکال می‌داند. او دربارهٔ *بحر المحبة فی اسرار المودة فی تفسیر سورهٔ یوسف* یا *تفسیر سورهٔ یوسف المسمّی بدرة البیضاء* یا *بحر العشق فی تفسیر سوره یوسف* یا *تفسیر سورهٔ یوسف* می‌گوید: «چاپِ ایرانِ این کتاب به محمد، و چاپ هند به نام احمد، و به فارسی نیز دو ترجمهٔ مختلف از آن ارائه شده است و در بعضی مآخذ هم از عبدالکریم شهرستانی آمده است و ممکن است از هیچ‌یک از مؤلفین نباشد» (غزالی، ۱۳۷۰: ۲٦۷). این تردید از قلم حشمت‌الله ریاضی برمی‌آید که اخیراً در *بر فراز عقل و عشق* به احوال و آثار این دو برادر توجه کرده است. او اثر خود را در سه بخش به شخصیت، وجوه و دیدگاه‌های برجسته و آثار دو برادر به نگارش درآورده است. در فصل چهارم از بخش سوم ـ که آن را به «مصنّفات و مؤلفات شیخ احمد غزالی و چگونگی آن» اختصاص داده ـ پس از ذکر شش رسالهٔ احمد غزالی که احمد مجاهد در اثر خود به ذکر و شرح آنها پرداخته است، از سیزده اثر و ازجمله اثر بحث ما، نام می‌برد و در پایان تصریح می‌کند که «البته دربارهٔ انتساب همهٔ این آثار به شیخ احمد، بعضی تردید کرده‌اند» (ریاضی، ۱۳۹۳: ۳٤۷). علی‌محمد صابری نیز در پژوهشی اخیر، آثار احمد غزالی و شرح و توضیحی دربارهٔ آنها را گرد آورده است؛ اما در آن حتی نامی از این اثر به میان نیاورده است.

از دقت در قلم پژوهشگرانی که بیش از بقیه دربارهٔ احوال و آثار ابوحامد به تحقیق پرداخته‌اند نیز چنین برمی‌آید که این اثر نمی‌تواند به او تعلق داشته باشد. عبارتی از عبدالرحمن بدوی در *مؤلفات الغزالی* در این باره توجه‌برانگیز است. او ذیل مدخل شمارهٔ ۱۲۳ با عنوانِ «تفسیر سورهٔ یوسف و قصهٔ یوسف علیه‌السلام»، از ورود اطلاعات این متن در اثر بروکلمان با عنوانِ «*سرّ العالمین فی تفسیر سورهٔ یوسف*» یاد کرده است و سپس می‌افزاید: «ولم یذکره احد ممن ترجموا للغزالی و مؤلفاته» (بدوی، ۱۹۷۷ م: ۲۹٦-۲۹۷). همچنین استاد همایی نیز در *غزالی‌نامه*، در بخش مربوط به معرفی آثار محمد غزالی، حتی نامی از این اثر نیاورده است.

٤ـ۲ تحلیل تطبیقی محتوای *بحر المحبة*

در این دیدگاه، به خدشه‌های وارد بر تعلق این اثر به هریک از دو برادر، با بررسی تطبیقی محتوای متن *بحر المحبة* با دیگر آثار شاخص هریک به‌طور جداگانه توجه می‌شود.

٤ـ۲ـ۱ *بحر المحبة* و آثار احمد غزالی

از ابوالفتوح احمد غزالی چندین اثر به‌جا مانده که نظر به برجستگی، اهمیت و تناسب موضوع با متن پیش رو، در این بررسی به *سوانح العشاق* بیشتر و به‌طور ویژه توجه شده است.

٤ـ۲ـ۱ـ۱ *سوانح العشاق*

سوانح کتابی به فارسی و به نثر، دربارهٔ عشق و روان‌شناسی عاشق و معشوق از دیدگاه صوفیه است. مطالب عرفانی در این کتاب به‌صورت مجمل و به زبان اشاره طی هفتاد و هفت فصلِ غالباً کوتاه آمده است. این کتاب ارزش و اهمیت خاصی دارد؛ زیرا زبدهٔ افکار و برجسته‌ترین اندیشه‌های ابوالفتوح را در بر دارد. موضوع این کتاب که نخستین اثر مستقلی است که به زبان فارسی دربارهٔ عشق به نگارش درآمده، عشق است؛ اما نه عشقی انسانی یا حتی عشق الهی؛

بلکه عشق مطلق یا حقیقت عشق که در قوس نزول به هر ماه روح از مرتبهٔ اطلاق خارج می‌شود و به مراتب عاشقی و معشوقی تنزل می‌کند؛ سپس بار دیگر این مراتب را در قوس صعود پشت سر می‌گذارد و به اصل و حقیقت یگانگی خود بازمی‌گردد. مؤلف در میان مطالب خود گاه از ابیاتی فارسی و به‌ندرت از چند حکایت نیز استفاده کرده است.[۱۵]

نویسنده در این متن صوفیانه و ادیبانه، از عبارات و مفاهیمی بهره می‌گیرد که شاید درک آن در گرو تأملی عمیق است. این اثر به‌گونه‌ای نوشته شده که وجد و شور و ذوق و سرمستی نویسنده در همهٔ تعبیرات و جملات آن لبریز است. این درحالی است که چنانکه پیشتر آمد، شیوهٔ نگارش *بحر المحبة* بسیار ساده و حتی عامیانه و داستان‌وار است. جای پرسش دارد که چگونه یک صوفی در دو اثر خود ـ که هر دو را در شرح دریافت‌های عارفانهٔ خویش به نگارش درآورده ـ توانسته است سبکی تا این اندازه متفاوت اختیار کند؛ حتی اگر بگوییم مقایسهٔ این اثر با *سوانح* خدشه‌دار و نادرست است ـ زیرا در *بحر المحبة* محتوای غالبْ روایات و نقل داستان‌های تاریخی و افسانه‌ای دربارهٔ زندگی یوسف است؛ ولی هنر و روش نویسندهٔ *سوانح* ابداع تصویرها و تعبیرات شاعرانه برای مفاهیم عارفانه است ـ اما باز نکته اینجاست که محل نظر نویسندهٔ این مقاله، توجه به سبک بیان دیدگاه‌های نویسنده در بخش‌هایی از *بحر المحبة* است که نویسنده در لابه‌لای نقل اخبار و داستان‌ها به بیان نکات و اشارات عارفانه می‌پردازد؛ برای مثال می‌توان به جملاتی اشاره کرد که در هر دو از عشق و محبت سخن به میان آمده است. با توجه به دیدگاه ممتاز و مؤکَّد ابوالفتوح دربارهٔ عشق، نمی‌توان باور داشت که او در تفسیری که آن را به روش صوفیانه و با غلبهٔ طریق عرفان و معرفت باطنی پدید آورده است، از بیان مراد و مفهوم خود از عشق بازمانده باشد. درحالی‌که مقایسه‌ای تطبیقی میان این اثر و *بحر المحبة* بیانگر آن است که اساساً بازتابی فراگیر از دیدگاه‌های این شیخ دربارهٔ عشق در *بحر المحبة* وجود ندارد. در مقام مقایسه، نگاهی بر اثر علی‌محمد صابری در مبحث شرح رسالهٔ *سوانح*، دیدگاه احمد را در این باره تبیین خواهد کرد. با وجود این، ذکر چند جمله از آن نیز در مقام شاهد بی‌وجه نیست:

«هم او آفتاب و هم او فلک. هم او آسمان و هم او زمین. هم او عاشق و هم او معشوق و هم او عشق، که اشتقاق عاشق و معشوق از عشق است. چون عوارض اشتقاقات برخاست، کار باز با یگانگی حقیقت خود افتاد» (غزالی، ۱۳۵۹: ۱۰).

«اینجا که عاشق معشوق را از او اوتر بوَد عجایب علایقِ پیوند تمهید افتد به شرط بی‌پیوندی عاشق با خود. پیوند عشق تا به جایی رسد که اعتقاد کند که معشوق خود اوست» (همان: ١٦).

این اثر، سرشار از چنین عباراتی است که نه ازنظر مضمون و نه سبک نگارش، به *بحر المحبة* شباهتی ندارند. در *بحر المحبة* این اصطلاح، تنها در چهار موضع یافت می‌شود که دقت در کاربرد آنها نشان می‌دهد این واژه در معنایی مترادف با «محبت» به کار رفته که اصطلاح برگزیدهٔ متصوفهٔ متقدم برای دوست‌داشتنِ خداست؛ به عبارت دیگر، چنین نیست که بتوان مفهومی افزون‌بر آن و همانند آن چیزی تصور کرد که در گسترهٔ عشق مطلق در *سوانح* ترسیم کرده است؛ مانند:

قیلَ لِبَعضِ العاشِقینَ: «کَیف تَری حالَکَ؟» قالَ: «عَشِقتُ بِما صَنَع الصّانِعُ لِأنَّ مَن أحَبَّ الصّانعَ یَمیلُ إلی صُنعِه، وَ صُنعُه دَلَّنی عَلَیه» (*بحر المحبة*، ١٨٧٦ م: ٤).

قَولُه تَعالی: ﴿فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ﴾... قالَت: «أنا لاأُعَذّبُهُنَّ بِالضَّربِ وَلكِن أُعَذّبُهنَّ بِرُؤيَةِ يوسفَ، أعرِضُه عَلَيهِنَّ بِزينَةٍ، ثُمَّ أحجُبُه عَنهُنَّ حَتّى يَمُتنَ مِن عِشقِه» (همان: ۷۲).

فَنَزَلَ مَلَکٌ و قالَ: «يا يوسفُ! هيهُنا خِلافٌ مَحَبَّةٌ بِمَحَبَّةٍ وَ طَلَبٌ بِطَلَبٍ وَ عِشقٌ بِعِشقٍ وَ هَرَبٌ بِهَرَبٍ وَ تَمزيقٌ بِتَمزيقٍ» (همان: ۱۵۸).

برای درک روشن‌تر تفاوت میان دو اثر از این جهت، می‌توان به مقایسهٔ شرح تعبیر قرآنی ﴿قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا﴾ (یوسف: ۳۰) در هر دو اثر توجه کرد (بحر *المحبة*، ۱۸۷٦ م: ۹۹؛ غزالی، ۱۳۵۹: ۲۹).

به‌جز این نویسنده نتوانست به عباراتی مشترک در این دو اثر دست یابد که با توجه به زمینهٔ واحد و غلبهٔ مضمونِ عشق و محبت در هر دو تأمل‌برانگیز باشد.[۱٦] ساختار دو اثر نیز به یکدیگر نمی‌ماند؛ به‌جز در استفاده از شواهد شعری که آن نیز ویژگی ممیزی در شمار نمی‌آید. ضمن اینکه در *سوانح* تنها سه حکایت دربارهٔ عشق گلخن‌تاب به پادشاه (غزالی، ۱۳۵۹: ۱۵)، حکایت واسطه‌گری قبیلهٔ مجنون به قوم لیلی (همان: ۲٤)، حکایت سلطان محمود و مرد نمک فروش (همان: ۳٤) است که اثری از آنها در بحر *المحبة* نیست. بحر *المحبة* مشتمل بر تعداد بسیاری حکایات عارفان و صوفیهٔ متقدم است که هیچ‌یک از آنها در *سوانح* نیست. در همین جا به‌جاست از دیدگاه شاهرودی در مقدمهٔ *پیر طوس* یاد شود که در بیان نسبت بحر *المحبة* به غزالی در مجالی کوتاه طی چند جمله، از «مقارنت سبک‌شناسانهٔ تفسیر بحر *المحبة* با کتاب *سوانح العشاق* و شیوهٔ مقامه و مجلس‌گونهٔ این کتاب» (شاهرودی، ۱۳۹۹: ۲۱) سخن گفته که فهم آن همچنان بر نگارندهٔ این مقاله نامعلوم است!

٤ـ۲ـ۱ـ۲ دیگر آثار برجستهٔ احمد غزالی

به‌دنبال یافتن نشانی از مشابهت میان بحر *المحبة* و آثار احمد غزالی، به برخی از مهم‌ترین آثار غزالی نیز توجه شد. آثاری از ابوالفتوح که بیش از دیگران شناخته شده است و تردیدی دربارهٔ درستی انتساب آنها به شیخ احمد وجود ندارد، عبارت‌اند از: *رسالة الطیور* که رساله‌ای به دو زبان فارسی و عربی در بیان داستانی تمثیلی و عرفانی به نثر است؛ *مکاتیب* یا رسایل پنجگانه به عین‌القضات همدانی و *رسالهٔ عینیه* شامل نامه‌های احمد غزالی مشتمل بر مواعظ و پندهایی برای ارشاد و هدایت طالبان و مریدانش است. در این بررسی از آثاری مانند بحر *الحقیقه* که درستی انتساب آن به احمد غزالی ناروا به نظر می‌رسد، صرف‌نظر شده است.[۱۷] با دقت در محتوای آثارِ نام‌برده، نمی‌توان به محتوایی مشترک و دست‌کم مطالبی دست یافت که بتوان به وحدت مؤلف آنها و بحر *المحبة* اذعان کرد. اینکه چگونه می‌شود عارفی بزرگ در یکی از آثار خود، انبوهی از نکات و اشارات و مواعظ عرفانی را به قلم درآورد، اما در دیگر آثار خود حتی به یکی از آنها اشاره نکند یا عباراتی با اشتراک در محتوا به کار نبَرد، محل تأمل است. همچنین در این آثار، هرچند نه به اندازه‌ای که بتوان با ابیات فارسی مقایسه کرد، ابیاتی به زبان عربی نیز به‌منزلهٔ شاهد و زینت‌بخش کلام به کار رفته است. این درحالی است که مطابقت ابیات بحر *المحبة* و این نوشتارها، از مشابهتی توجه‌برانگیز خبر نمی‌دهد. تنها در یکی از مواعظ شیخ احمد، بیتی از این قرار دیده شد که در بحر *المحبة* نیز آمده است:

مَـــن لَـــم يَكُـــن لِلوِصـــالِ أهـــلاً فَكُـــــلُّ إحســـــانِه ذُنـــــوبٌ

(صابری، ۱۳۹۳: ۲۷۱؛ بحر، ۱۸۷٦ م: ۱۳۹)

وجود این تک‌بیت نیز نمی‌تواند حامل معنایی در تقویت ظن وحدت نویسندهٔ دو اثر باشد؛ زیرا این بیت از

ابیات پُرکاربرد در ادب فارسی است که در برخی از دیگر متون عرفانی سده‌های نخست نظیر *کشف الأسرار و عدة الأبرار* و *انیس المریدین و شمس المجالس* دیده می‌شود (میبدی، ۱۳۳۹، ج ٦: ۱۷۱؛ *انیس المریدین*، ۱۳۹۸: ۲۵۳).

نکتهٔ دیگر که در بررسی تطبیقی *بحر المحبة* با *سوانح* و سایر آثار احمد غزالی به آن توجه شد، دقت در کاربرد مفاهیم و اصطلاحات عارفانه در آنهاست. از نظریهٔ «اتحاد» یا یگانگی با معبود غزالی و نیز نظریات برجستهٔ دیگری مانند «تکوین»، «تمکین» و «فنا» که از مهم‌ترین دیدگاه‌های او در زمینهٔ عشق است و در *سوانح* بازتابی نمایان دارد، در *بحر المحبة* اثری دیده نمی‌شود. ازسویی با تأملی بر کاربردِ اصطلاحات عرفانی در عمده آثار غزالی می‌توان پی‌برد که به‌جز عشق، که پیشتر به آن اشاره شد، اصطلاحاتی نظیرِ شمس (آفتاب)، اشارت، ازل، انبساط، بسط، تجرید، تشبیه، تفرید، تعطیل، تفویض، تواضع، جذبه، جلال، جمال، حال، حضور، حیرت، خطوت، دولت، ذات، سکر، سماع، سیمرغ، صحو، طلب، عدم، غیرت، قناعت، مراقبت، مرید، مقام، وقت، ولایت و هیبت در آثار او به کار رفته است؛[18] حال آنکه این اصطلاحات در *بحر المحبة* جایی ندارند. بعید به نظر می‌رسد نویسنده‌ای واحد که در یک زمینهٔ موضوعی به نگارش مشغول است، بتواند در یکی از آثار خود از بسیاری اصطلاحات عرفانیِ استفاده‌شده در آثار دیگرش، چشم‌پوشی کند.

٤ـ۲ـ۱ـ۳ بحثی دربارهٔ انتساب این اثر به احمد غزالی از نظر ایران‌منش

در اینجا به‌جاست از نظر ایران‌منش در پایان‌نامهٔ او مبنی بر تعلق این اثر به احمد غزالی یاد شود. چنانکه پیشتر آمد، در این پایان‌نامه بدون طرح هرگونه دیدگاهی در تردیدِ درستی انتساب *بحر المحبة* به غیر احمد غزالی، فرض بر آن است که این اثر از احمد است؛ تنها در مبحثی با عنوان «انتساب *بحر المحبة* به احمد غزالی» برخی قراین مؤید این نظر ذکر می‌شود که عمدهٔ آنها مربوط به *سوانح* است. او چند قرینه را برای درستی این انتساب ذکر می‌کند.[19] یکی از آنها ناظر بر «تبویب و فصل‌بندی خاص *بحرالمحبة* برای جلوگیری از خسته‌شدن خواننده» است که در آثار خواجه همچون *سوانح* دیده می‌شود. از نظر او، مطالب عرفانی این دو اثر در قالب بخش‌هایی مانند «قصه»، «اشاره» و «نکته» آمده است و نیز آنها در آمیختگیِ گهگاه نثر با اشعارِ پراکنده، در اشتراک‌اند؛ درحالی‌که اولاً، سبک و ساختار *سوانح* مانند *بحرالمحبة* نیست که نویسنده ظرایف عرفانی خود را در قالب نکته‌ها و اشاره‌ها و ظریفه‌ها بیان کرده باشد؛ دوم آنکه، اگر هم باشد، چنین ساختاری ویژهٔ آثار خواجه احمد ازجمله این اثر نیست؛ بلکه بخش توجه‌برانگیزی از متون و تفسیرهای عرفانی سده‌های متقدم، مانند *قصهٔ یوسف*، *انیس المریدین و روضة المحبین*، *انیس المریدین و شمس المجالس*، *حدائق الحقایق* و تاحدی *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، در این ساختِ بیانی مشترک‌اند. ایران‌منش قرینهٔ دوم را «انطباق مقامه‌گونه‌بودن نثر *بحر المحبة* با شخصیت خطابه‌ای احمد غزالی» می‌داند. او از اینکه این اثر دربردارندهٔ مطالبی متنوع از مواعظ، حکایات، اشعار و اشاراتی به آیات قرآن و احادیث است، آن را به‌مثابهٔ متن سخنرانی مفسر می‌داند که چه‌بسا خواجه آن را در جلسات سخنرانی ایراد کرده باشد. چنین استدلالی نیز با توجه به شباهت معنایی و ساختاری بسیاری از آثار نام‌برده مردود است. ضمن اینکه حتی با پذیرش ربط بین این ساختار و شکل‌گیری آن درپی إملای خطابه‌های مؤلف، جانب دلالت‌های درستی انتساب این اثر به خواجه احمد تقویت نمی‌شود. وجه دیگری که از نظر ایران‌منش بر درستی انتساب این اثر به خواجه احمد دلالت دارد، به اشتراکات محتوایی میان *سوانح* و دیگر آثار خواجه احمد در قلمرو اخلاق و عرفان، مانند محبت میان خدا و بنده، توجه به حسن و جمال، معاد و قیامت مربوط است. حال آنکه

طرح هیچ‌یک از این مباحث به ابوالفتوح و آثار او محدود نمی‌شود؛ بلکه تعداد توجه‌برانگیزی از آثار عرفانی و تعلیمی سده‌های نخست اسلامی، متأثر از خواجه احمد و غیر او، از چنین مضامینی سرشار است. همچنین نویسنده از وجود دو بیت موجود در *بحرالمحبة*، در *سوانح* به‌منزلهٔ قرینه‌ای دیگر یاد می‌کند. حال آنکه نگارندهٔ این مقاله، نتوانست چنین ابیاتی را در اثر یادشده بازیابد. درمجموع تلاش ارزندهٔ ایران‌منش به‌منزلهٔ تنها کسی که تاکنون به *بحر المحبة* پرداخته و تنها کسی که تاکنون به دلالت‌های ناظر بر درستی انتساب این اثر به احمد غزالی متعرض شده است، در این باره از دو جهت با نقص روبه‌روست. اولاً، او وجه محتمَل دیگر را ازحیث تعلق این اثر به غیر خواجه احمد، کاملاً دور از اعتنا انگاشته است و اساساً به این اثر با فرض تعلق به خواجه احمد توجه کرده است؛ دوم آنکه، قراینِ او در تأیید این انتساب، سُست، غیرعالمانه و بی‌بهره از قدرت اقناع است.

٤ـ۲ـ۱ـ٤ بحثی دربارهٔ انتساب این اثر به احمد غزالی از نظر شاهرودی

چنانکه پیشتر آمد، اخیراً عبدالوهاب شاهرودی پایان‌نامهٔ ایران‌منش را با نام خود و تنها با افزودن مقدمه‌ای بر آن منتشر کرده است. او نیز در این مقدمه بدون بحثی دقیق و مفصل، *بحر المحبة* را به احمد غزالی متعلق دانسته است. وجه اتکای او در تأیید این نسبت، برجستگی سه عنصرِ وعظ، تصوف و عشق در منظومهٔ فهم و اندیشه و سلوک احمد غزالی است (شاهرودی، ۱۳۹۹: ٦). حال آنکه این سه، چنانکه خود نیز در جای دیگر اشاره می‌کند، نه از شاخصه‌های منحصر به احمد، بلکه از ویژگی‌های عرفان و تصوف خراسانی در سده‌های نخست است. حجم گسترده‌ای از میراث تفسیری به‌جامانده از عارفان بزرگ سده‌های نخست، با موعظه‌ها و اندرزهای آمیخته به شواهدی از کلام و سیرهٔ عارفان بزرگ و نیز انبیا، به‌ویژه پیامبر اسلام و صحابی و خاندان ایشان همراه است. ضمن اینکه توجه به عشق به‌منزلهٔ قوهٔ محرکهٔ کائنات و جاری در همهٔ هستی را نیز نمی‌توان به احمد غزالی منحصر دانست. به‌طوری که از نظر بسیاری از عارفان، به‌ویژه در مکتب خراسان، سلوک عاشقانه که از آن به «تصوف عاشقانه» و گاه «عرفان جمالی» تعبیر شده است، ویژگی برجستهٔ تنها طریق به‌سوی معبود و معشوق و تنها درمان رذیلت‌های نفسانی و اخلاقی است. اینکه «او وعظ را بیش از تدریس دوست می‌داشت» (همان: ۲۰) و در این تفسیر «منش او واعظانه» است (همان: ۲۱) و یا در مجالس خود سخنانی متهورانه و آمیخته با شطحیات بیان می‌کرد، هیچ‌یک دلیلی محکم بر تعلق این اثر به ابوالفتوح نیست؛ حتی چه‌بسا بتوان مدعی نقض مراد از عبارات پایانی شد؛ زیرا *بحر المحبة* اساساً خالی از شطحیات است. ضمن اینکه اساساً روش تفسیری واعظانه در سده‌های نخست روایی داشته است و می‌توان سدهٔ ششم را اوج این شیوهٔ تفسیری عرفانی دانست.

٤ـ۲ـ۲ *بحر المحبة* و آثار محمد غزالی

إحیاء علوم الدین، *جواهر القرآن و دُرَرُه* و *مشکات الأنوار*، هریک به دلیلی، بیش از دیگر آثار ابوحامد ازنظر مقایسه با *بحر المحبة* توجه‌برانگیزند. بررسی تطبیقی محتوای هریک از آنها با این اثر، بیانگر آن است که احتمالاً انتساب *بحر المحبة* به مؤلف آنها خطاست.

٤ـ۲ـ۲ـ۱ احیاء علوم الدین

این اثر مفصل‌ترین، مهم‌ترین، جامع‌ترین و پُرآوازه‌ترین کتاب ابوحامد است که آن را در دوران کناره‌گیری از تدریس در نظامیهٔ بغداد و پس از بروز دگرگونی‌های روحی و شوریدگی‌های فکری ـ منقسم بر چهار بخشِ عبادات، عادات،

مهلکات و منجیات و هریک مشتمل بر ده کتاب ـ به نگارش درآورد. هریک از این چهل کتاب به تعبیر خودِ غزالی، خواننده را به عَقَبه‌ای از عَقَبات نفس راهنمایی می‌کند.[۲۰] گذشته از وجوه متعدد اهمیت کتاب، نگارندهٔ این مقاله این اثر حجیم را بررسی کرد؛ به امید آنکه به ویژگی‌ها، وجوه و عباراتی مشترک میان آن و *بحر المحبة*، به‌نحوی دست یابد که بیانگر تعلق هر دو آنها به یک نفر باشد و متأسفانه در این تلاش ناکام ماند. حتی در شواهد شعری نیز مشابهتی تام یا حداکثری و دست‌کم توجه‌برانگیز دیده نشد که بتوان چنین نتیجه‌ای گرفت. با وجود بسیاری مضامین و مفاهیم مشترک میان دو اثر ـ مانند فضایل تلاوت قرآن، دعا، استغفار، و از این قبیل و نیز مذمت ظلم، غفلت، دنیاگرایی، فقر و از این قبیل ـ نمی‌توان به مطالب و روایاتی مشترک و توجه‌برانگیز دست یافت؛ برای مثال در جلد اول *إحیاء علوم الدین*، در «کتاب آداب التلاوة القرآن» چند باب با عنوان‌هایی ازجمله «فضل القرآن و أهله»، «فی ذم تلاوة الغافلین»، «ظاهر آداب التلاوة» وجود دارد (رک. غزالی، بی‌تا، ج ۱: ۲۷۳-۲۹۰). باب اول این مبحث با مبحثی که تعداد بسیاری از احادیث نبوی در آن گرد آمده است، با مطالبی در همین موضوعات در *بحر المحبة* مشترک است (رک. *بحر المحبة*، ۱۸۷٦ م: ۳-٤)؛ اما نگاهی تطبیقی بر این دو بیانگر آن است که احادیث مندرج در هریک، تاحد بسیاری با دیگری متفاوت است و به‌سختی بتوان پذیرفت که نویسنده‌ای واحد، در مبحثی مشترک در دو کتاب مختلف، در بیان فضیلت قرائت قرآن، از عبارات و روایاتی متفاوت بهره جوید. همین استدلال را می‌توان دربارهٔ مبحثی از *بحر المحبة* دربارهٔ دعا و استجابت آن (رک. همان: ۱۰۷) در مقایسه با این مبحث در *إحیاء علوم الدین* در ابوابی مانند «فضیلت دعا» (غزالی، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۵-۳۰٦) ارائه کرد.

همچنین می‌توان به شواهد شعری نیز اشاره کرد. چندین بیت مشترک در این دو متن وجود دارد؛ اما تعداد نه‌چندان توجه‌برانگیز و کاربرد آنها در برخی متون کهن دیگر را می‌توان به‌منزلهٔ قرینه‌ای برای مدعای مطرح اشاره کرد. ضمن اینکه در هریک از این دو اثر، می‌توان به اشعاری اشاره کرد که حتی در موضوعی مشترک در اثر دیگر به شهادت و مثال گرفته نشده است؛ برای مثال اشعاری که ذیل «حال القبر و أقاویلهم عند القبور» در *إحیاء* آمده (غزالی، بی‌تا، ج ٤: ٤۷۰-٤۷۳)، ذیل مطلبی با همین موضوع در بحر دیده نمی‌شود. همچنین اشعاری که با مطلعِ

ذَکَرتُکَ لِأنّی نَسیتُکَ لَحظَةً وَ أهوَنُ ما فی الذِّکرِ ذِکرُ اللِّسانِ

در مبحث ذکر غفلت و یاد حبیب در *بحر المحبة* آمده است در دیگری یافت نمی‌شود (*بحر المحبة*، ۱۸۷٦ م: ٤).

در گام دوم، قراینی محکم دال بر یکی‌بودن نویسندهٔ این هر دو به دست نیامد و حتی گاه خلاف آن نیز دستیاب شد؛ برای مثال در *بحر المحبة*، در خلال جملات و عباراتی در ذمّ دنیا، این دو بیت از یحیی بن معاذ الرّازی ذکر شده است:

نُرَقِّعُ دُنیانا بِتَمزیقِ دینِنا فَلا دینُنا باقٍ وَ لا ما نُرَقِّعُ
فَطوبی لِعَبدٍ آثَرَ اللهَ رَبَّه وَجادَ بِدُنیاه لِمَن یَتَوَقَّعُ

(*بحر المحبة*، ۱۸۷٦ م: ۳۷)

حال آنکه این دو بیت، در *إحیاء علوم الدین*، درباب «ما ورد فی ذمّ الدنیا» از قول إبراهیم أدهم آمده است (غزالی، بی‌تا، ج ۳: ۲۰۳).

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود: چطور نویسنده‌ای واحد، در دو اثر خود در ذکر مصدر و شاعر شاهدی

یکسان، روشی متفاوت اتخاذ کرده است؟ ضمن اینکه گاه دربارهٔ اندک ابیاتی که در هر دو اثر مشترک است، دیده شد که آنها در تعداد ابیات همانند نیستند. به عبارت دیگر، در بحر، تعداد ابیاتی که در یک مضمون به شاهد گرفته شده با *إحیاء* متفاوت است؛ برای مثال، می‌توان به هفت بیت از قصیده‌ای اشاره کرد که در بحر با این بیت آغاز شده است:

أری طالِبَ الدُّنیا وَإن طالَ عُمرُه وَإن نالَ فی الدُّنیا سُروراً وَ أنعُماً

(بحر *المحبة*، ۱۸۷٦ م: ۱۵)

اما در *إحیاء* تنها دو بیت اول آن دیده می‌شود (غزالی، بی‌تا، ج ۳: ۲۰۳). با توجه به آنکه غزالی در این کتاب، پروایی از حجیم‌شدن اثر خود ندارد، درک پذیرش چرایی حذف برخی ابیات، در عین یکسانیِ دو نویسنده چندان آسان نیست.

٤ـ۲ـ۲ـ۲ *جواهر القرآن و دُرَرُه*

محمد غزالی تفسیری کامل بر قرآن ندارد؛ گرچه عمَر نصوحی بیلمن بر آن است که او تفسیری به نام *یاقوت التأویل* در چهل جلد به نگارش درآورد که اکنون تنها بخش‌هایی پایانی از آن باقی مانده است (آتش، ۱۳۸۱: ۱۱۱)؛ اما به‌جز آیاتی که ابوحامد در میان آثار متعدد خود به‌ویژه *إحیاء علوم الدین* به تفسیر و شرح آنها پرداخته، در دو تفسیر مستقل به نام *جواهر القرآن و درره* و *مشکات الأنوار* کوشیده است تا برای شناخت نصوص دینی از روش تفسیر تأویلی بهره جوید. *جواهر القرآن و درره* در دو بخشِ کلی با عنوانِ «جواهر» (گوهر عمل) و «دُرَر» (مروارید عمل) مباحثی گوناگون را در علوم قرآنی و نیز اسرار و معنای برخی آیات و سوره‌ها بیان کرده است. غزالی در ابتدا آیاتی را آورده است که به‌نحوی دربارهٔ ذات، صفات و افعال الهی است و در بخش دیگر، آیاتی را (بیش از ۱۵۰۰ آیه) ذکر کرده است که باید به آنها عمل کرد. غزالی در کتاب دیگر خود در تفسیر قرآن یا *مشکات الأنوار*، طی سه فصل، به بیان معنی «نور» در عرف عوام، عرف خواص و خواص خواص پرداخته است و آنگاه به رموز و اشارات پنهانی در برخی الفاظ، مانند مشکات، مصباح، زجاجة، شجره، زیت و نار، در کنار شرح حجاب‌های هفت‌گانهٔ نور و معرفت الهی توجه کرده است.

در بررسی پیشِ رو، به این دو اثر نیز در نگاهی تطبیقی با بحر *المحبة* توجه شد؛ اما تلاش برای درک مطالب و مفاهیمی مشترک که بیانگر وحدت مؤلفان آنها به‌منزلهٔ دو اثر تفسیری باشد، به جایی نرسید و نتیجه آنکه، بحر *نمی‌تواند* از پدیدآورندهٔ این دو اثر باشد. برخی از قراین تقویت‌کنندهٔ این مدعا عبارت است از:

اول آنکه یکی از مباحث توجه‌برانگیز و تأکیدشدهٔ غزالی در *جواهر القرآن و درره*، توجه به مبحث معرفت در وجوه سه‌گانهٔ ذات، صفات و افعال در همهٔ زمینه‌هاست. درحالی‌که اثری از این دیدگاه در بحر، ذیل بحث مربوط یافت نمی‌شود. دوم آنکه، باوجود رواج و بسیاری کاربرد اصطلاحاتی عرفانی نظیر «سلوک»، «عالم ملکوت» و «عالم شهادت» در *جواهر القرآن* و *مشکات الأنوار*، این اصطلاحات حتی کمترین بازتاب را در بحر ندارند. ضمن اینکه انتظار می‌رود اثرِ تفسیریِ کسی که خود کتابی مفصل در شرح آیهٔ «نور» به نگارش درآورده است، هنگام طرح این آیه ـ هرچند در مقام نظیره و شاهدی برای آیه‌ای دیگر ـ بیشتر به آن پرداخته باشد. درحالی که نویسندهٔ بحر در مبحثی در وصف مؤمن، تنها در این عبارت کوتاه، از آن گذر کرده است: «کَذلِکَ اللهُ تَعالی سَمّی قَلبُ المؤمنِ بالزُّجاج، فَقالَ الله: ﴿مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاةٍ﴾ یَعنی مَثَلُ قَلبِ المُؤمِنِ کَمِشکاةٍ ﴿فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَةٍ﴾. شَبَّهَ قَلبُ المُؤمِنِ بالزُّجاجةِ. فَمَثَلُ نَفسِ المُؤمنِ کَالبَیتِ وَ قَلبُه کَالقَندیلِ وَ مَعرِفَتُه کَالسِّراجِ وَ تَوحیدُه کَعُروَةِ القَندیلِ وَ مَحَبَّتُه کَنارِ

القَندیلِ وَ إخلاصُه کَضَوءِ القَندیلِ وَ طاعَتُه کَفَتیلةِ القندیلِ. إذا فَتَحَ اللِّسانُ بإقرارٍ ما فی الجِنانِ، إستَضاءَ نورُه مِن فیه إلی العَرشِ الرَّحمانِ» (*بحر المحبة*، ۱۸۷٦ م: ۷۷). ضمن آنکه همین چند سطر نیز تناسبی با رموز و تعبیرات غزالی در *مشکات الأنوار* ندارد.

دیگر آنکه گویی اساساً محمد غزالی به قصهٔ یوسف توجه تأمل‌برانگیزی نداشته است. این قرینه از آنجا به دست آمد که او در بخشی از *جواهر القرآن*، با اشاره به «أحوال السالکین و الناکبین»، مصداق آن را داستان‌های انبیا و اولیا می‌داند: «فهی قصص الانبیاء والاولیاء، کقصة آدم و نوح، و ابراهیم و موسی و هارون و زکریا و یحیی و عیسی و مریم و داود و سلیمان و یونس و لوط و ادریس و الخضر و شعیب و الیاس و محمد و جبرئیل و میکائیل و الملائکة و غیرهم» (غزالی، ۱٤۰٦ ق: ۳۱). با توجه به این عبارات که در آن، حتی از بزرگانی غیر از انبیا یاد شده، اما نام یوسف احتمالاً فراموش شده است، این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که چطور می‌توان باور داشت، فردی که اثری مفصل و مجزا در شرح قصهٔ یوسف پیامبر به نگارش درآورده یا در نظر داشته است آن را به قلم درآورد، از ذکر نام آن پیامبر در شمار انبیا و اولیا غفلت کرده باشد؟!

پنجم آنکه چطور می‌توان این اثر را از آثار محمد غزالی دانست؛ درحالی‌که او در هیچ‌یک از آثار یادشده، حتی به تناسب مباحث و مضامین تفسیری، نامی از آن نیاورده است؟! این درحالی است که غزالی نشان داده که خوی او بر ارجاع به دیگر آثار و ذکر نام آنها بوده است؛ برای مثال او در همین کتاب می‌نویسد: «و هذا العلم قد شرحناه علی طبقتین، سمینا الطبقة القریبة منهما "الرسالة القدسیة" و الطبقة التی فوقها «الاقتصاد فی الاعتقاد»... الکتاب الذی صنفناه فی "تهافت الفلاسفة"...» و به این ترتیب او در ادامه، از چند اثر دیگر خود نظیرِ «مفصل الخلاف فی اصول الدین»، «محک النظر»، «معیار العلم» و «إحیاء علوم الدین» نام می‌برد (غزالی، ۱٤۰٦ ق: ۳۹). حال، این پرسش به‌جاست: چرا در این مبحث که از برخی مطالب تفسیری غزالی در این متون یاد شده است، اثری از ذکر بحر، به‌منزلهٔ تفسیری دیگر از او نیست؟!

نکتهٔ ششم که می‌توان آن را قرینه‌ای بر خدشه‌داریِ درستی انتساب این اثر به محمد غزالی دانست، تأکید او بر دوری مفسر از سخنان و روایات بی‌اساس است. به‌طوری که کمتر می‌توان در میان روایاتی که او در تفسیرهای خود ذیل این دو اثر و نیز *إحیاء* به کار برده است، از اسرائیلیات نشان یافت. چنانکه محسن قاسم‌پور در مبحثی مفصل که دربارهٔ روش تفسیری ابوحامد به نگارش درآورده، معتقد است غزالی در *قانون التأویل* بر این باور است که عقل، اصل و پایهٔ نقل است و در صورت نفی عقل، نفی نقل هم لازم می‌آید. پس به عقیدهٔ او راهی نمی‌ماند جز آنکه عقل مقدم باشد. غزالی این نکته را اصلی کلی برای مراجعه به قرآن و حدیث می‌داند.[۲۱] این درحالی است که بحر سرشار از روایات اسرائیلی و خرافات و افسانه‌های نارواست؛ چه روایت‌هایی‌که خاستگاهی در تورات دارند و چه بخش‌هایی که با قصه‌پردازی و داستان‌سرایی راویان و محدثان افزوده شده است.[۲۲] میزان این اسرائیلیات چنان است که نمی‌توان آنها را کاستی‌ها و لغزش‌های مؤلف دانست؛ بلکه این حجم از اشتمال بحر بر اسرائیلیات نشان می‌دهد که یا صبغهٔ مؤلف ترجیح نقل بر عقل بوده است و یا او اساساً توان تمیز عقلی را نداشته که هر دو از ابوحامد به دور است.[۲۳]

٤ـ۲ـ۳ تحلیل بینامتنی *بحر المحبة*

چنانکه پیشتر اشاره شد، سورهٔ یوسف در بسیاری از تفسیرهای جامع کهن در کنار دیگر سوره‌های قرآن و یا

به‌طور اختصاصی در تفسیری مستقل شرح شده است. بررسی تطبیقی این آثار نشان می‌دهد که بسیاری از سخنان، روایات و حکایاتِ مندرج در آنها مشترک است و این نشان می‌دهد بسیاری از تفسیرنگاران و مؤلفین، دست‌کم از مآخذی مشترک بهره برده‌اند. نگارندهٔ این مقاله به‌دنبال یافتنِ رد و نشانی از *بحر المحبة فی اسرار المودة* برخی تفاسیر دورهٔ نخست را ـ مانند *انس المریدین و روضة المحبین*، *انیس المریدین و شمس المجالس*، *قصهٔ یوسف*، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، *روض الجنان و روح الجنان*، *تفسیر سورآبادی*، *یوسف و زلیخا* از تفسیر تربت جام و *حدائق الحقایق* فراهی ـ به‌دقت بررسی کرد. هرچند بهره مندی از نظریهٔ بینامتنیت در شناخت هویّت مؤلف اثر کارآمد نبود، بررسی‌های یادشده، به‌ویژه با تمرکز بر چند اثر خاص تفسیر سورهٔ یوسف، دربردارندهٔ قراینی مبنی بر نادرستی صحت انتساب *بحر المحبة* به برادران غزالی بود.

٤ـ۲ـ۳ـ۱ *انیس المریدین و روضة المحبین*

انیس المریدین و روضة المحبین به شرحِ مفصلِ قصهٔ حضرت یوسف در چهل مجلس اختصاص دارد. این اثر در شمار مهم‌ترین متون فارسی قرن پنجم هجری است و به تصریح مؤلف، در سال ٤۷۵ ق. به تألیف درآمده است. مؤلف کتاب ابونصر احمد بخاری است که محتوای این اثر را از استادش ابوالقاسم محمود جیهانی در بلخ شنیده و مطالب شیخ را همراه با سخنانی از خود به رشتهٔ نگارش درآورده است. موضوع جلد اول این اثر، داستان‌های پیامبران و درواقع، نخستین اثر مستقل در این موضوع است. جلد دوم آن به نام *تاج القصص* در کنار *قصهٔ یوسف* و *حدائق الحقایق* معین‌الدین فراهی، از مفصل‌ترین آثار در قصص یوسف است.[۲٤] دقت در این اثر در مقایسه با بحر از چند جهت، انتساب آن را به غزالی‌ها مخدوش می‌کند:

اول آنکه، آل‌داود مصدر و مأخذ اصلی این کتاب را در کنار قرآن و تفسیر آیات، تواریخ صدر اسلام و کتاب و منابعی دانسته است که مؤلفْ نام آنها را در متن آورده است. ضمن اینکه با توجه به تقدیم این اثر نسبت‌به برخی آثار دیگر که از آنها نام برده شد، بی‌تردید خود به‌منزلهٔ مصدر و مأخذی برای تألیفات بعدی است. وجود شباهت‌های متعدد میان این اثر و *بحر المحبة*، ازنظر ساختار و محتوا، نشان‌دهندهٔ آن است که مؤلفِ یکی از آنها قطعاً به اثر دیگری توجه داشته است.[۲۵]

دوم آنکه، متن نخستین کتاب چنانکه در مقدمهٔ *انیس المرید و روضة المحبین* بدان صراحت شده، در سال ٤۷۵ ق. نوشته شده است. بدین ترتیب، تردیدی وجود ندارد که این اثر نمی‌تواند از برادران غزالی باشد؛ زیرا ولادت ابوحامد در سال ٤۵۰ ق. است و با توجه به هم‌درسی دو برادر نزد احمد اردکانی، تاریخ ولادت ابوالفتوح نیز بین این سال تا ٤۵٤ ق. بوده است (غزالی، ۱۳۷۰: ۱۷). بعید به نظر می‌رسد که هریک از آنها در سن بیست و چند سالگی، به تألیف اثری موفق شده باشند که محتوای آن از پختگی پدیدآور خبر می‌دهد. این احتمال دربارهٔ ابوحامد، با توجه به تحول روحی و روی‌گردانی او به‌سوی تصوف در سن سی و هشت سالگی، دورتر و حتی غیرممکن به نظر می‌رسد.

دیگر آنکه این اثر بسیار مفصل و مطوّل است و در آن، روایت متعدد از راویان و محدثان، احادیث پیامبر و گاه ائمه و بزرگان دین، سخنان عالمان و اشارات رجال تصوف و حکایات عرفانی و اخلاقی، بسیار یافت می‌شود. بررسی این اثر نشان می‌دهد که نویسنده، در کنار راویان و محدثان فراوان، به تناسب موضوع، روایت یا

سخنانی از بسیاری متصوفه و بزرگان و دانشمندان متقدم ـ نظیر خواجه بوزجانی، خواجه محمد گرگانی، ابوالقاسم ترمذی، قاضی امام شهید، خواجه ابوالقاسم محمدشاه، ممشاد دینوری، خواجه امام زاهد، امام منصور ماتریدی، قاضی‌خان حنفی، امام عوفی، بایزید بسطامی و حسن بصری ـ یاد کرده است. با اینکه متن اولیهٔ کتاب چنانکه در مقدمه بدان صراحت شده، در سال ٤٧٥ ق. نوشته شده است، در میان آن «نام‌هایی‌از دانشمندان سده‌های بعد دیده می‌شود که آن را باید به حساب تصرف کاتبان گذاشت» (بخاری، ١٣٨٦: ١٧). این درحالی است که در این اثر، کمترین ردی از نامِ غزالی یافت نشد. همچنین بخاری در این متن از برخی منابع و مصادر سخنان و روایات خویش نام برده است؛ بدون آنکه از اثری به نام *بحر المحبة* یاد کرده باشد.

حال پرسش تأمل‌برانگیز اینجاست که اگر ابوحامد یا ابوالفتوح غزالی به‌منزلهٔ دو اندیشمند شهیر سدهٔ پنجم، اثری عرفانی در تفسیر سورهٔ یوسف داشته‌اند، چگونه می‌توان پذیرفت که با وجود اهتمام نویسندگانِ این سه اثر بر بهره‌مندی از سخنان و روایات مفسران و صوفیانِ پیش از خود ـ حتی در طراز پایین‌تر از این دو برادر ـ این نویسندگان حتی نامی از آنها نبرده‌اند؟! و چگونه است که در این تفسیر، از آثاری بهره‌برداری شده است که نه به‌طور خاص و متمرکز در قصهٔ یوسف پیامبر، بلکه به‌طور عام دربارهٔ قصهٔ پیامبران و حتی به‌طور کلی در عرفان پدید آمده است؛ اما حتی کمترین نشانی از غزالی و این اثر در این تفسیر نیست؟!

٤ـ٢ـ٣ـ٢ *قصهٔ یوسف (جامع الستین للطایف البساتین)*

این اثر از امالی خواجه امام تاج‌الدین ابوبکر احمد بن محمد بن زید الطوسی، و تفسیر صوفیانه‌ای است که با نثری روان و شیوا در شصت مجلس موشح به لطایف و ظرایف و حکایات املا شده است. محمد معین در معرفی این کتاب در نشریهٔ *یغما* آن را از مؤلفات قرن ششم دانسته است (معین، ١٣٢٧: ٣١٩). محمد روشن نیز نثر روان و بی‌پیرایهٔ کتاب، نوع پرداخت کتاب و روش تنظیم آن را با *کشف الأسرار و عدة الأبرار* میبدی در ٥٢٠ ق. همانند می‌داند؛ اما برپایهٔ آخرین پژوهش‌ها و از نظر دکتر شفیعی کدکنی این اثر در حدود ٤٧٠ ق. یعنی تقریباً هم‌زمان با *انیس المریدین و روضة المحبین* به نگارش درآمده است.[٢٦]

این اثر نیز در کنار *انیس المریدین و روضة المحبین* و *حدائق الحقایق* از مفصل‌ترین قصه‌های حضرت یوسف است. نگارندهٔ این مقاله اثر یادشده را نیز به امید یافتن راهی درپی شناخت اطلاعاتی بیشتر دربارهٔ *بحر المحبة* بررسی کرد؛ اما هیچ نام و نشانی از آن نیافت. وجود شباهت‌های متعدد میان این دو اثر، ازنظر ساختار و محتوا نشان‌دهندهٔ آن است که مؤلفِ یکی از آنها قطعاً به اثر دیگری توجه داشته است. نکات مهم در این مجال دربارهٔ تردید در درستی انتساب این اثر به هریک از برادران غزالی، درست مانند مطالبی است که دربارهٔ *انیس المریدین و روضة المحبین* بیان شد. نخست آنکه، نظر به زمان تألیف آن، نمی‌توان بحر را از ابوحامد یا ابوالفتوح غزالی دانست و دیگر آنکه، پدیدآور اینِ اثر مفصل و قطور هم از روایات راویان و محدثان متعدد بهرهٔ سرشار برده و هم سخنان و روایات فراوانی از مشایخ و بزرگان اهل علم و تصوف ـ نظیر امام ابوالمظفر سمعانی، شیخ الامام، امام قشیری، ابوعلی دقاق و عبدالله بن مبارک ـ آورده است؛ حال بعید به نظر می‌رسد که نام محمد یا احمد غزالی را که در شمار عالمان و مفسران طراز اول فرهنگ و تمدن اسلامی شناخته شده بودند، از قلم انداخته باشد.

٤ـ۲ـ۳ـ۳ حدائق الحقایق

این اثر تفسیری عرفانی از مولی معین‌الدین فراهی هروی، عارف کامل و واعظ شهیر هرات است که هرچند تاریخ تولد او مشخص نیست، می‌دانیم که در سال ۹۰۸ ق. درگذشته است. از جمله‌های آغازین تفسیر چنین برمی‌آید که مؤلف نگارش تفسیر کامل قرآن را در دست داشته است. او اثر خود را با تفسیر فاتحةالکتاب و بقره آغاز کرده و آنها را به انجام رسانده است؛ اما در ادامه، به خواهش دوستان تفسیر سورهٔ یوسف را پیش گرفته و و سپس سور دیگر قرآن را از آل‌عمران ادامه می‌دهد؛ اما از تفسیر بزرگ او چیزی در دست نیست و تنها کتاب کامل او همین اثر در تفسیر سورهٔ یوسف است.[۲۷]

این اثرْ بسیار مفصل و دارای تعداد زیادی روایات و سخنان متعدد و وجوه گوناگون تعبیرات و ماجراهای داستانی است. او در اثر خود به‌جز ذکر نام راویان و محدثانی متعدد، سخنان فراوانی را از ائمه و مشایخ صوفیه، گاه بی ذکر نام و گاه با درج نام آنها بیان کرده است. برخی بزرگان و صوفیانی که حکایات، سخنان و روایاتی از آنها در این تفسیر آمده است، عبارت‌اند از: امیرالمؤمنین علی، ابوجعفر باقر (امام محمدباقر)، خواجه محمد بن علی حکیم ترمدی، محمد بن یحیی، امام قشیری، پیر هرات، اهل تحقیق، امام داود عطایی، مورق عجلی، زجاج نحوی، ابن‌زیاد، حسن بصری، جنید بغدادی، سری قطی، فضیل، حامد بن اسود، ابراهیم خواص، ابراهیم بن هشام و یحیی بن زکریا، خواجه عبدالله مبارک مروزی، امام ثعلبی، ابومطیع نسفی، شیخ یحیی معاذ رازی، ابوعلی دقاق، فاریابی در نوادر القصص، ابن‌ثابت، ابن‌عطا، عبدالرحمن جامی، امام دمیاطی، خواجه عبدالله مبارک مروزی، امام منصور، امام فارابی، ابوجعفر میلانی، ابوعبدالرحمن سلمی، سلطان ابراهیم ادهم و ابوالعباس عطار. در این اثر از مآخذ فراوانی در سده‌های نخست نام برده شده است؛ اما هیچ نامی از *بحر المحبة* در این اثر دیده نمی‌شود و از این جهت، استدلال فوق تکرارپذیر است.

۵ـ نتیجه‌گیری

با وجود اظهارهای قطعی و غیرقطعی دربارهٔ انتساب *بحر المحبة فی اسرار المودّة* به ابوالفتوح احمد غزالی و ابوحامد محمد غزالی، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً این اثر از از دو برادرِ غزالی نیست؛ این نتیجه با دقت در دخالت‌های کاتبان، فهرست‌های نسخ خطی و نیز گزارش‌ها و پژوهش‌های پیشین و همچنین تحلیل محتوای این اثر در تطبیق با سایر آثار مسلّم این دو برادر و نیز جست‌وجوهای تطبیقی ازنظر روابط بینامتنی آن با سایر آثارِ هم‌موضوع در سده‌های پیشین ـ به‌ویژه سه اثرِ *انیس المریدین و روضة المحبین*، *قصه یوسف* و *حدائق الحقایق* به منزله پُرارجاع‌ترین و مفصل‌ترین تفاسیر سوره یوسف ـ به دست آمد. درواقع چه‌بسا انتساب این اثر به هریک از این دو برادر، به‌سبب شهرت و برجستگی آنان در میان دانشمندان و عارفان نخستین و اقبال اهل تصوف و عموم مردم به آنان باشد. چنانکه شهرت احمد بر وعظ و تبلیغ و برپاداری مجالس پرمخاطب، به‌ویژه در خراسان، آذربایجان و عراق موجب شده است نسبت این اثر به او، قوی‌تر از برادر بزرگش باشد. به نظر می‌رسد این نسبت از جنس نسبت بسیاری از آثاری باشد که در طول تاریخ فرهنگ و زبان فارسی، به ناروا به بزرگان علم و عرفان بسته شده است. چنانکه نگارندهٔ این مقاله در مقدمهٔ *انیس المریدین و شمس المجالس* نیز بحثی مفصل دربارهٔ انتساب نادرست اثر یادشده به شیخ انصاری ارائه کرد

و نتیجه گرفت که انتساب ناروای این اثر به پیرِ هرات به‌دلیل شهرت عمومی و فراوانیِ مجالس درس و وعظ و اقبال سالکان حق‌جو به کلام و آثار این شیخ بزرگ بوده است؛ زیرا به رسم مألوف، برخی نویسندگان همواره می‌کوشیده‌اند تا سخنان خود را به دانشمندان بزرگ نسبت دهند یا از کلام آنان چیزی برگیرند و با کلام خود یا دیگر علما و متصوفه بیامیزند و به او نسبت دهند تا در دل مخاطبان، رغبتی بیشتر برای مطالعهٔ نوشته‌هایشان حاصل شود.[۲۸]

پی‌نوشت

۱. برای اطلاع از متون و تاریخ تفاسیر عرفانی، رک. قاسم‌پور، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۵۶؛ شاهرودی، ۱۳۸۱: ۸۱-۱۰۶.

۲. عبدالوهاب نیشابوری ضمن ارائهٔ طبقه‌بندی تفسیرهای عرفانی به تفاسیر تک‌آیه، تک‌سوره و کامل، شرحی کوتاه از چهار تفسیر کامل قرآن ارائه می‌دهد. برای اطلاعات بیشتر رک. شاهرودی، ۱۳۸۰: ۲۵۹-۳۲۸. او همچنین کتاب‌شناسی مفصل و ارزنده‌ای در پایان اثر خود دربارهٔ تفاسیر عرفانی و پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ آنها ارائه می‌دهد. رک. همان، ۳۵۳-۴۲۹.

۳. سیّد جعفر سجادی فهرستی از برخی شرح‌های سورهٔ یوسف را اعم از نظم و نثر، در مقدمهٔ *تفسیر حدائق الحقائق* ارائه کرده است. رک. فراهی، ۱۳۸٤: بیست و شش ـ بیست و هفت.

٤. برای مثال رک. مسیح‌خواه، الهه؛ صدقی، حامد، «بررسی صحت انتساب قصیدهٔ لامیه العرب به شنفری با تکیه بر روش آماری کیوسام»، *لسان مبین*، تابستان ۱۳۹۲، شمارهٔ ۱۲، ۱٦٦-۱۹۲. نیز: علیزاده، علی؛ بهروزی‌فر، مریم، «شناسایی مؤلف متون کهن با مراجعه به ساختارهای نحوی موجود در آن؛ مطالعهٔ موردی تذکرةالأولیا»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۳۹٤، ٤٥-٦۲.

۵. عبدالوهاب شاهرودی که نام او در شناسنامهٔ اثر به‌عنوان پدیدآور درج شده، استاد راهنمای پایان‌نامهٔ مذکور است؛ درحالی‌که متن کتاب به‌طور کامل، همان پایان‌نامهٔ ایران‌منش است. عجیب آنکه شاهرودی در این قالب جدید، تنها مقدمه‌ای چندصفحه‌ای بر آن نوشته و در پایان آن اشاره‌ای کوتاه به دانش‌آموختهٔ خود کرده است که «فصول این اثر را پی ریخته» و از او تشکر کرده است! رک. فهرست منابع.

٦. رک. فهرست منابع.

۷. تصحیح *بحر المحبة* طی طرحی مصوب در شورای پژوهش سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی در دست است و نوشتار پیش رو بخشی از نتایج آن است. همچنین نگارندهٔ این مقاله درحال ترتیب‌دادن نوشتار دیگری است که به‌طور مستقل به معرفی این اثر اختصاص یابد.

۸. این اثر تاکنون سه بار ـ بدون اشتمال بر کمترین تحقیق و توضیح دربارهٔ آن ـ به‌صورت سربی چاپ شده است که دو بار آن در بمبئی، یکی در سال ۱۸۷٦ م. و دیگری بدون ذکر سال نشر، و بار دیگر در تهران در سال ۱۳۱۲ به نام *احسن القصص* انجام شده است.

۹. این اثر نیز ازجمله تفاسیر عرفانی و گنجینه‌ای ارزشمند از ادب فارسی است که اخیراً نگارندهٔ این مقاله آن را تصحیح و منتشر کرده است. برای اطلاعات بیشتر درباره این اثر، رک. *انیس المریدین*، ۱۳۹۸: ۹-٦۲.

۱۰. به این موضوع به‌طور مفصل، در نوشتاری مستقل و در دست انتشار توجه شده است.

۱۱. برای اطلاعات بیشتر، رک. پورجوادی، ۱۳۵۸: ۹-۷۵؛ همچنین رک. مدخلی در *دانشنامهٔ جهان اسلام*، به قلم وی.

۱۲. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ او مقدمه بدوی بطانه منبعی درخور توجه است. رک. غزالی، بی‌تا: ۱-۲٦.

۱۳. گفتنی است که درایتی پیشتر در *دنا*، ذیل مدخلی با همین عنوان، آن را از احمد غزالی دانسته است. توضیحاتی که درایتی در فنخا آورده است، در *دنا* دیده نمی‌شود و تنها از نسخه‌های متعدد آن نام برده شده است. رک. درایتی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳٤۹.

١٤. برای مثال، در توضیح نسخه‌های شمارهٔ ۱۳۳۷۸ و ١٤٠ کتابخانهٔ ملی، مؤلف اثر، احمد و محمد دانسته شده است.

۱۵. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این اثر، می‌توان به مقدمهٔ پورجوادی بر آن اشاره کرد: رک. غزالی، ۱۳۵۹: یک ـ شش. همچنین برای شرح و بسط مفاهیم مندرج در این کتاب و به‌طور کلی اصول تصوف احمد غزالی، رک. پورجوادی، ۱۳۵۸: ٦۳-۳۷.

١٦. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ مفهوم عشق از دیدگاه احمد غزالی، رک. صابری، ۱۳۹۳: ۲۳-۵۸؛ پورجوادی، ۱۳۵۸: ٦٤-۳۷.

۱۷. شاید یکی از دلایل انتساب این اثر به احمد غزالی، شناخت *بحر الحقیقه* به‌منزلهٔ یکی از آثار او باشد؛ درحالی‌که این تلقی درست نیست. در یکی از پژوهش‌های اخیر به قلم پرویز اتابکی نیز انتساب *بحر الحقیقه* به احمد غزالی کاملاً مردود دانسته شده است. اتابکی با بحثی مفصل و عمدتاً متمرکز بر مسائل زبانی و ادبی، که در «نقد و بررسی کتاب فرزان ۳» به‌صورت «ویژه‌نامهٔ بخارا» چاپ شده است، تلقی تعلق *بحر الحقیقه* را به احمد قطعاً نادرست دانسته است. رک. فهرست منابع.

۱۸. برای اطلاعات بیشتر، رک. پناهیان، ۱۳۹٦: ۲۸-۱۳۰.

۱۹. رک. ایران‌منش، ۱۳۹۱: ٤۷-۵۲.

۲۰. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ آن، رک. مدخل «احیاء علوم الدین» به قلم عبدالکریم سروش، https://www.cgie.org.ir/fa/article

۲۱. برای اطلاعات بیشتر، رک. قاسم‌پور، ۱۳۸۷: ۸۹

۲۲. برای مثال می‌توان به نام عزیز مصر (قطیفور) اشاره کرد (*بحر المحبة*، ۱۸۷٦ م: ۵).

۲۳. ایران‌منش بر آن است که در این تفسیر از مبانی عقلی تبعیت شده است. نویسندهٔ این مقاله به اتکای ورود بسیاری از اسرائیلیات و قصه‌پردازی‌های نویسنده، این نظر را صواب نمی‌داند. رک. ایران‌منش، ۱۳۹۱: ٦۱-٦۲.

۲٤. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این اثر، رک. بخاری، ۱۳۸٦: ۱۷-۳۰.

۲۵. نویسندهٔ این مقاله با بررسی محتوایی و نسخه‌های خطی *بحر المحبة* احتمال داده است که این اثر در دوران متأخر و حداکثر چهار قرن اخیر، در نتیجهٔ تدوین و گردآوری و حتی ترجمه شکل گرفته باشد. این بحث مجالی مستقل می‌طلبد که به یاری خدا در دست تألیف است.

۲٦. برای اطلاعات بیشتر، رک. طوسی، ۱۳۸۲: نه ـ بیست و دو.

۲۷. برای اطلاعات بیشتر، رک. فراهی، ۱۳۸٤: نه ـ بیست و دو.

۲۸. دکتر شفیعی کدکنی به‌طور خاص دربارهٔ خواجه عبدالله انصاری، در بخش اولِ *در هرگز و همیشه انسان (میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری)* برخی وجوه انتساب آثاری به وی را در تاریخ زبان فارسی کاویده است که می‌توان از نوشته‌های او دربارهٔ دیگر بزرگان اهل تصوف و دانش مانند برادران غزالی بهره برد. رک. شفیعی کدکنی، ۱۳۹٤: ۱-۱۲۲.

منابع

۱. آتش، سلیمان (۱۳۸۱). *مکتب تفسیر اشاری*، ترجمهٔ توفیق سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲. اتابکی، پرویز (۱۳۷۷). «نقد و بررسی کتاب فرزان (۳): بحر الحقیقه از شیخ احمد غزالی نیست»، *بخارا*، شمارهٔ ۳،

آذر، ۳۳۱-۳٤۲.

۳. *انیس المریدین و شمس المجالس* (۱۳۹۸). تصحیح و تحقیق محبوبه شمشیرگرها، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

٤. ایران‌منش، سمانه (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تفسیر بحر المحبة فی اسرار المودة احمد غزالی*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ علوم قرآن و حدیث، دانشگاه خوارزمی.

۵. *بحر المحبة فی اسرار المودة* (۱۸۷٦ م.). بمبئی: [بی‌نا].

٦. بخاری، احمد بن محمد (۱۳۸٦). *انس المریدین و روضة المحبین (جلد دوم تاج القصص)*، با مقدمه و تصحیح سیّد علی آل‌داود، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۷. بدوی، عبدالرحمن (۱۹۷۷ م.). *مؤلفات الغزالی*، کویت: وکاله المطبوعات.

۸. بغدادی، اسماعیل (۱۳ ق.) *هدیة العارفین: اسماء المؤلفین و آثار المصنّفین*، تهران: مکتبة الاسلامیه.

۹. پروینی، خلیل؛ دسپ، سیّد علی (۱۳۸۹) «رویکرد عرفانی به داستان حضرت یوسف در تفاسیر عرفانی»، *دوفصلنامهٔ ادبیات عرفانی*، سال دوم، ش ۳، ۷-٤۰.

۱۰. پناهیان، سیّده زینب (۱۳۹٦). *بررسی اصطلاحات عرفانی در آثار فارسی احمد غزالی*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران.

۱۱. پورجوادی، نصرالله (۱۳۵۸). *سلطان طریقت؛ سوانح زندگی و شرح آثار احمد غزالی*، تهران: آگاه.

۱۲. پورجوادی، نصرالله، «غزالی، احمدبن محمدبن محمد طوسی، مؤلف، واعظ و عارف برجستهٔ قرن پنجم و ششم»، *دانشنامه جهان اسلام*، برگرفته از https://rch.ac.ir.

۱۳. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*، ٤۵ ج، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

۱٤. ـــــــــــ (۱۳۸۹). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، ۱۲ ج، به کوشش مصطفی درایتی، ویراستار مجتبی درایتی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۱۵. ریاضی، حشمت‌الله (۱۳۹۳). *بر فراز عقل و عشق (امام محمد غزالی و شیخ احمد غزالی)*، تهران: علم.

۱٦. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹٤). *در هرگز و همیشه انسان (از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری)*، تهران: سخن.

۱۷. شاهرودی، عبدالوهاب (۱۳۹۹). *پیر طوس؛ غزالی و بحر المحبة*، کارنامه و روش، تهران: مدید.

۱۸. صابری، علی‌محمد (۱۳۹۰). *سلطان عشق: بررسی آرا و اندیشه‌های شیخ احمد غزالی طوسی*، تهران: علم.

۱۹. طوسی، احمد بن محمد (۱۳۸۲) *قصه یوسف*، به اهتمام محمد روشن، [ویراست ۳]، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۰. غزالی، احمد (۱۳۵۹). *سوانح*، براساس تصحیح هلموت ریتر، با تصحیحات جدید و مقدمه و توضیحات نصرالله پورجوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۲۱. ـــــــــــ (۱۳۷۰). *مجموعه آثار فارسی احمد غزالی*، به اهتمام احمد مجاهد، تهران: مؤسسه انتشار و چاپ دانشگاه تهران.

۲۲. غزالی، محمد بن محمد [بی‌تا]. *احیاء علوم الدین*، به سعی و مقدمه بدوی طبانه، قاهره: مکتبه و مطبعه کریاطه فوترا.

۲۳. ـــــــــــــــ (۱٤۰٦ ق). *جواهر القرآن و درره*، المحقق الدکتور الشیخ محمد رشید رضا القبانی،

بیروت: دار احیاء العلوم.

۲٤. فراهی، معین‌الدین بن محمد (۱۳۸٤). *تفسیر حدائق الحقایق (قسمت سوره یوسف)* ،به کوشش جعفر سجادی، تهران: دانشگاه تهران.

۲۵. قاسم‌پور، محسن (۱۳۸۷). «غزالی و فرایند تفسیر قرآن»، *مطالعات عرفانی*، شمارهٔ ۸، ۷۵-۱۰۰.

۲٦. ـــــــــــــ (۱۳۹۲). *جریان‌شناسی تفسیر عرفانی قرآن*، تهران: سخن.

۲۷. مرعشی‌نجفی، سیّد محمود (بی‌تا). فهرست *نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)* گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی ـ ایران ـ قم، با همکاری سیّد محمد اصفهانی، قم: کتابخانهٔ بزرگ حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) ـ گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی.

۲۸. معین، محمد (۱۳۲۷). «نسخه خطی تفسیر سوره یوسف کتابخانه عمومی رشت»، *یغما*، سال اول، شمارهٔ ۷، ۳۱۹-۳۲۲.

۲۹. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۳۹). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ۸ ج، به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران: ابن‌سینا؛ مهرآیین.

۳۰. مشار، خانبابا (۱۳٤٤). *فهرست کتابهای چاپی عربی، ایران، از آغاز چاپ تاکنون، سایر کشورها، بیشتر از ۱۳٤۰ هـ به بعد*، تهران: [بی‌نا].